

«مانند مملکت اروپا، چهارقدی که برای پوشانیدن سر است، استعمال نمایند که به چندین صورت مختلف و گوناگون بکار برند و به پشت و شانه افکنند و یا در زیر گلو سنجاق کنند یا به دور حلق بپیچند و یا دور سر بگردانند.»<sup>۱</sup>

## در زمان فتحعلی شاه قاجار

### پوشاک درون خانه

دروویل در این باره می‌نویسد:

«دستار آنها [زنان ایرانی] پارچه‌ای از شال کشمیری است که با مهارت تمام پیچیده و با مروارید و جواهرات گوناگون آراسته‌اند.

«... پیراهن بانوان ایرانی نیز به مانند پیراهن شوهرانشان بسیار کوتاه و بدون یقه و جلو سینه باز است. پیراهن با دگمه‌ای زرین و مروارید نشان به گردن بسته می‌شود. پارچه پیراهن را از ابریشم ظریف گلدوزی شده انتخاب می‌کنند و دور یقه آن دو سه ردیف مروارید کوچک می‌دوزند. زنان نیز به مانند مردان، پیراهن را به روی شلوار می‌کشند. از روی پیراهن، نیم‌تنه‌ای به نام ارخالتی - که معمولاً از اطلس استردار است - بر تن می‌کنند.

«لباس رویی به نام چاپگین، شاید مضحک‌ترین لباسی باشد که برای زنان در نظر گرفته شده است. چاپگین، جامه بی یقه جلوبازی است که زیر کمرگاه آن سه دگمه کنار هم دوخته‌اند. چاپگین از چپ به راست، روی هم افتاده و در سمت راست، دگمه می‌خورد.

«بلندی دامن لباسها با مرور زمان، تغییر می‌یابد. از نقاشیهایی که از لباسهای

زنانه ایران در زمانهای قدیم در دست است، چنین بر می‌آید که لباس بانوان ایرانی سابقاً بسیار بلند بوده و تا پنجه پا می‌رسیده است. ولی مقتضای زمان، ایجاب کرده است که دامن لباسها رفته رفته کوتاهتر شده و به صورت نیم‌تنه‌هایی که حتی به زانو نمی‌رسد، درآید. اما در عین حال، لباسهای مزبور را از پارچه‌های زربفت گرانبها با حاشیه و گلدوزیهایی زیبا - که گاهی دانه‌های مروارید و الماس بر آن می‌درخشد - می‌دوزند.

«جنس پارچه شلوار زنان نیز به مانند مردان، بسیار متفاوت است. شلوار معمولاً از پارچه‌های زری یا ابریشم، دوخته شده، غالباً با مرواریدهایی تزئین می‌شود. ذکر این نکته، ضروری است که غالباً آستری و لایی، شلوارها را به صورت دو ستون بی‌ریخت و مضحک در می‌آورد. ولی چه می‌توان کرد؟ چنین شلوارهایی در ایران، مد روز است و هر چه پاچه شلوارها بیشتر باد کند، حکایت از تشخیص صاحب آن می‌نماید.

«زنان ایرانی، کفشهایی راحتی از مخملهای گلدوزی شده و مزین به طلا و ابریشم به پا می‌کنند.»<sup>۱</sup>

### پوشاک و حجاب بیرون خانه

«[زنان ایرانی] به هنگام خروج از خانه، خود را در چادر می‌پوشند. چادر از قماش نخی سفید، دوخته شده و دامن آن گرد است. با قیطانی، چادر را بر سر و گردن، محکم کرده و صورت را با پارچه‌ای به نام روپند می‌پوشانند. روپند، پارچه نخی چهارگوشی است که با دو قلاب کوچک در بالای پیشانی به دستار می‌چسبد. در میان روپند، شکاف افقی درازی باز کرده و آن را توری دوزی می‌کنند. زنان چادر به سر از این شکاف، محیط بیرون را تماشا می‌کنند.

«... زنان به هنگام خروج از خانه، چکمه‌های پارچه‌ای [= چاقچور] بلندی که تا بالای زانو می‌رسد، به پا می‌کنند. شلوار آنها نیز درون این چکمه پارچه‌ای قرار می‌گیرد. چکمه‌های مزبور به وسیله بند جورابهایی نگه داشته می‌شود.

«به این ترتیب، از لباسهای فاخر و زر و زیورگرانیهای زنان ایرانی در خارج از محیط خانه، جز کفشهای راحتی آنها را نمی‌توان دید. از این رو موقعیت اجتماعی زنان را تنها می‌توان از بهای کفش و یا ظرافت و ارزش چادر و روبند آنها حدس زد.

«زنان مردم عادی - که زندگی عاری از تکلف دارند - چادرهای تنگ کرباسی که راه راه آبی و سفید دارد، بر سر انداخته، با یک دست، آنها را جمع و با دست دیگر، صورت خود را می‌پوشانند. در این حال، فقط جلو چشمشان کمی باز می‌ماند. ولی به هنگام برخورد با یک مرد بیگانه، فوراً طوری روی خود را می‌گیرند که حتی دیدن ریزی و درشتی چشم و یا رنگ آن غیر ممکن می‌شود.»<sup>۱</sup>

اگوست بن تان در این باره می‌نویسد:

«در این مدت نتوانستم حتی یک بار داخل منزلی را که دعوت می‌شدم، ببینم. زنان از پس پرده، مرا تماشا می‌کردند؛ ولی من هیچکدام را نتوانستم ببینم. ایرانیان حتی حاضر نیستند سئوالی درباره زانیشان بشود. خوشبختانه گاهی که در پشت بام منزلم قدم می‌زدم، زنی را در حیاط منزلش می‌دیدم. ولی این در صورتی بود که نگرهبانش حضور نداشت؛ وگرنه فوراً او را مجبور می‌کرد داخل منزل شود و گاه او را با ترکه می‌زد.

«زنان ایرانی اکثر زیبا هستند و بخصوص درخشش و درشتی چشمانشان جلب توجه می‌کند. جامه‌های ظریفی نمی‌پوشند. یک شلوار بسیار گشاد و پنبه‌دوزی شده، اندام رعناي آنان را می‌پوشاند. در منزل، پیراهن بلندی که تا بالای ران [؟] است، می‌پوشند و سریند بلند و نوک تیزی که به فراخور حال، با



پوشاک زنان در زمان فتحعلی‌شاه قاجار  
عکس از کتاب سفرنامه دروویل

جواهر و مروارید و طلا و نقره تزئین شده است، به سر می‌کنند. آرایش آنان بسیار پرخرج است و در واقع مردان ایرانی برای تجمل حرم خود، مبالغ هنگفتی خرج می‌کنند.

«... وقتی زنی از منزل خارج می‌شود، سه چادر ضخیم، سر تا پای او را می‌پوشاند و فقط یک روزنه بسیار کوچک در چادر سومی به او اجازه می‌دهد که راه خود را تشخیص دهد. حتی رنگ چشمان آنان دیده نمی‌شود. ارامنه نیز از این رسم پیروی می‌کنند، در صورتی که طبق رسوم مذهبی، مجبور نیستند زنان خود را مخفی نمایند. من با وجود همه کوشش خود نتوانستم صورت یک زن مسلمان یا ارمنی را ببینم.»<sup>۱</sup>

## در زمان ناصرالدین شاه قاجار

دکتر ویلز در این باره آورده:

«متأسفانه در این قرن اخیر، تغییرات زیادی در فرم لباس زنان ایرانی به وجود آمده است. در حال حاضر، اولین لباس زیر زنان ایرانی عبارت از پیراهن کوتاه زنانه است که در زنان طبقه پایین‌تر، از پارچه‌های چیت، به رنگ سفید یا آبی تهیه می‌گردد و درازای آن تا به قسمت بالای ران می‌رسد. که در زنان طبقه بالاتر، جنس آن بیشتر از پارچه‌های نخی لطیف گلدوزی و برودری دوزی شده با نخ سیاه است. و در زنان ثروتمند و اعیان، جنس پیراهن از پارچه‌های توری نازک یا برودری دوزی و گلدوزی شده از نخهای طلایی، با دامن و حاشیه مروارید دوزی شده می‌باشد. که اندازه این نوع پیراهنها کاملاً کوتاهتر است و حداکثر تا به بالای ناف می‌رسد. «سرانداز زنان عبارت از پارچه چهارگوش اغلب برودری دوزی شده از

جنس ابریشم یا نخی، به نام چارقد است، که از زیر چانه و گلو به وسیله سنجاقی محکم می‌گردد. گاه، نوع پارچه آن به شال یا تور و شال کشمیری اغلب برودری دوزی شده، تغییر می‌یابد.

جغه عبارت از یک گل یا پر تهیه شده از طلا و جواهر است که اغلب در چین و شکن بیرون مانده از زلف یا بغل موی آنان سنجاق می‌گردد. در حالی که موهای جلو سر از دو طرف به صورت یک فرق، تا محاذی گوشه‌های دهان به پایین می‌آید و دو سر آن به صورت چنبره‌ای زیبا به طرف گونه‌ها می‌پیچد.

«در زیر چارقد هم یک نوع سریند دستمالی تیره‌رنگ، جهت استقرار چارقد بر روی آن به طریقی بسته می‌شود که قرص صورت را در میان دارد. دامنه و گوشه‌های اضافی چارقد به روی شانه‌ها می‌افتد. ولی پیراهن توری کوتاه اعیانی، پوشش کاملی جهت سر و سینه زنان نیست، از طرفی ناف و شکم به کلی از زیر آن عریان است.

«... از دیگر لباس خانمها نوعی ژاکت کوتاه رنگی جلو باز است که به سختی جزئی از سینه‌ها را می‌پوشاند. دارای آستینی تنگ، مزین به تعداد زیادی تکه‌های برنجی می‌باشد که مخصوص فصل گرما و تابستان است. و در فصل زمستان، کتی آستردار به روی آن پوشیده می‌شود.

«کفش و جوراب زنان در زمستان، شامل جورابی نخی سفید و کوتاه و کفشی نسبتاً پاشنه بلند است. و همه زنان معمولاً در فصل گرما و تابستان، علاقه چندانانی به پوشیدن جوراب نشان نمی‌دهند و پابرهنه گشتن در داخل اطاق را ترجیح می‌دهند.

«از دیگر لباسهای زنان ایران، تنبان - یک نوع شلوار - است که معمولاً کوتاه و گشاد است و از پارچه‌هایی از قبیل ابریشمی، مخمل، شال کشمیری یا پارچه‌هایی از این قبیل، دوخته می‌شود و نوع جنس آن با توجه به وسع مالی اشخاص، فرق می‌کند. این نوع تنبانها هم بندی هستند. در طبقات پایین اجتماع، تبدیل به چیت و پارچه‌های ارزان قیمتی از همین قبیل می‌گردد. در طبقات اعیان، لبه‌های پایین و

دهانه تنبان، زردوزی شده است، که در زیر آن لباسهای دیگری هم پوشیده می شود. «به هر صورت، همه این لباسها، کوتاه و در طبقات مدپرست بالا اندازه آن حداکثر به بالای رانها می رسد. با پوشیدن این همه لباس مختلف در زیر، پایین تنه خانمها همیشه از دور، پف کرده و بزرگ تر از آنچه هست، به نظر می رسد. با این وجود، چون این نوع لباسهای زیر زنان را جز شوهران آنان کس دیگری نمی بیند، به عقیده آنها هر نوع آرایش کردن و با زر و زیور خود را آراستن برای شوهران، هیچ مانعی ندارد و بدون اشکال است.

«... لباس روی خانمها در زمستان، عبارت از کتی شبیه به کولچه یا کت مردان است که آستینهای کوتاه آستر داری دارد که سر آستین و یقه آن از پوستهای نرم و قیمتی، زینت یافته است.

«لباس بیرون از خانه زنان ایرانی از لحاظ ظاهر و سادگی، چندان قابل مقایسه با لباسهای زیر آنان نیست و شامل چادری آبی و یک تکه، و پارچه دیگر به نام روبنده است.

«لباس دختران ایرانی، تا زمانی که هنوز به سن بلوغ نرسیده اند، کاملاً ساده و فرق چندانی با لباس پسر بچه ها ندارد. تا زمانی که به سن هشت سالگی برسند، رفته رفته چهره و ظاهر زنانه به خود می گیرند.»<sup>۱</sup>

پولاک در این باره می نویسد:

«در خانه، زن معمولاً سر خود را با پارچه شالی می پوشاند که گوشه های آن از پشت آویزان است.

«پیراهن، عبارت است از پارچه ای نازک و ابریشمین به رنگ صورتی یا آبی که گلدوزی شده است، با حاشیه های طلایی. از زیر این لباس به خوبی پستانها نمایان است و چون فقط تا ناف می رسد، شکم کاملاً برهنه و نپوشیده



پوشاک زنان درباری  
در اوایل زمان ناصرالدین شاه قاجار  
عکس از کتاب خاطرات لیدی شیل

می ماند. شکم‌بند کوتاهی از شال، ابریشم یا زری که به تن چسبیده است و جلو آن باز است، تا تهیگاه می‌رسد. کلیجه‌ای که به کلیجه مردان شبیه است، پوشش بالاتنه را تکمیل می‌کند.

«زن ایرانی به جای دامن، معمولاً چند زیرشلواری می‌پوشد که به زیر جامه موسوم است و روی آن باز شلوار گشاد چین‌دار دیگری به پا می‌کند، موسوم به جامه، که از جنس ابریشم لطیفی است و این همه تا حدود ثلث ساق پا می‌رسد.»<sup>۱</sup>

مک گرگر می‌نویسد:

«[زنان] در خانه، بالاتنه فراخی می‌پوشند که کمی بیش از حد، فراخ و باز است؛ و شلوار کوتاه و گشادی که از زانو، پایین‌تر نمی‌آید، سرشان را نیز با یک روسری رنگی می‌پوشانند.»<sup>۲</sup>

خانم کارلا سرنا می‌نویسد:

## بیرون خانه

«لباس بیرون زنان ایرانی، از لحاظ یکنواختی، گوندولاهای شهر ونیز [= نوعی قایق مخصوص ونیزیان] را به یاد آدم می‌آورد. و آنان دارای هر وضع اجتماعی که باشند، همه‌شان بدون استثناء، خود را در چادرهایی به رنگ سرمه‌ای تند می‌پوشانند.

«شلوارهای گشاد از چلووار سبز، بنفش، خاکستری یا قرمز رنگ که مانند جوراب، پاها را نیز می‌پوشانند و دم‌پاییهای پاشنه‌دار، پوشاک یکنواخت همه زنان

۱- سفرنامه پولاک، ص ۱۱۶.

۲- شرح سفری به ایالت خراسان، ص ۲۵۹.

ایرانی است.

## درون خانه

«در داخل خانه، آرایش زنان، غلیظ‌تر و پوشش آنان سبکتر و کمتر است... هر چه دامن‌ها کوتاهتر، به همان میزان، وضع لباس پوشیدن، مقبول‌تر است. البته دامن لباس زنان عادی و کلفتها از لباس خانمهای طبقه بالا، بلندتر است.

«پوشیدن لباس زیر میان خانمها رسم نیست. ولی آنان از نوعی نیم‌تنه گشادی که روی سینه باز می‌شود و خانمهای خوش‌لباس از پارچه ارگانزای بدن‌نما برای خود می‌دوزند، استفاده می‌کنند. با چنین جامه ظریف، بدن از سر تا پالخت و عور دیده می‌شود، چون پوشیدن جوراب هم آنچنان معمول نیست.

«زنان در خانه، گاهی نوعی چادر شب رنگی خیلی سبک به سر می‌کنند. آنان سر خود را با چارقدی از ململ سفید می‌پوشانند و زیر چانه گره می‌زنند. موی سر آنان - که آن را می‌بافند و به پشت سر می‌اندازند - به ندرت دیده می‌شود.

«پارچه لباسها معمولاً از ابریشم یا از مخمل و یا از زری مزین به دست‌دوزیهای عالی و خیره‌کننده است. غنای آنها هماهنگ با مقدار جواهری است که خانمهای ایرانی، خود را بدان می‌آریند.»<sup>۱</sup>

مک گرگر می‌نویسد:

«زنان ایرانی، همه، شلوار به پا می‌کنند. این شلوارها مانند شلوار مردان، آنچنان فراخ است که در موقع حرکت، حد فاصل دو پای آنان مشخص نیست و به سختی می‌توان آن را از دامن تمییز داد. مدتی گذشت تا توانستم کشف کنم که جنس لطیف ایرانی، لباس پوشیدن به شیوه مردان را پذیرفته است. به نظر

۱- آدمها و آیینها در ایران، ص ۷۵ - ۷۴.



زن ایرانی، ملبس به کلیجه و چهارقد در زمان قاجار  
عکس از کتاب دالمانی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری



پوشاک زنان در خانه  
در زمان ناصرالدین شاه قاجار  
عکس از کتاب ویشارد، بیست سال در ایران

می‌رسد این شیوه لباس پوشیدن، برای زنان مناسب است و مسئله جامه آنها را تا حدودی حل می‌کند. این شلواریها به دامن می‌ماند و در عین حال، از راحتی و گرمی شلوار نیز برخوردار است. به علاوه، در مواقع طوفانی، امکان بالارفتن آن و دیده شدن بدن - که موارد آن در مملکت ما زیاد است - وجود ندارد.<sup>۱</sup>

## فغان از این همه پارچه!

پولاک در باره اسراف زنان زمان ناصرالدین شاه در کاربرد پارچه لباس

می‌نویسد:

«در اثر زیادی زبرجامه‌ها و جامه پرچین روی آنها، لباس خانمها به صورت لباسی پف کرده در می‌آید. بی‌بند و باری در مصرف پارچه و تجملی که بخصوص در مورد این لباس به کار می‌رفت، فریاد شوهران را به آسمان رسانید تا بالاخره دولت ناگزیر شد محدودیتهایی قانونی برای آن وضع کند؛ و البته همان طور که می‌توان پیش‌بینی کرد، این تمهیدات به هیچ کجا نینجامید. زیرا بالاخره قدرت و سطوت شاه فعلی [= ناصرالدین شاه] مانند خشایارشای روزگاران قدیم نیست که توسط خارجیان اعلام کرد هر مردی ارباب خانه است و زنان باید گوش به فرمان او باشند (کتاب استر، ۱). کار تجمل‌پرستی حتی به آنجا رسیده است که بعضی از زنان مجلل، به رغم ناراحت بودن آن، شلواریهایی از گرانبهاترین شالها می‌پوشند. این دیگر یکی از شکایتهای عمومی مردان ایرانی است که زنان در اثر بی‌بند و باری در تجمل‌پرستی و آرایش، آنان را خانه خراب می‌کنند. به طوری که هرگاه چندین زن در خانه‌ای باشند، دیگر سر و ته مخارج آنان را از طریق درآمدهای مشروع نمی‌شود به هم آورد. اگر به یاد بیاوریم که زنان در صورت واقع شدن طلاق، فقط و فقط همین

۱- شرح سفری به ایالت خراسان، ص ۱۶۲.

لباسها و مقداری خرت و پرت را که فراهم کرده‌اند، می‌توانند با خود همراه ببرند، دیگر درباره این موجودات شوربخت، با گذشت بیشتری داوری خواهیم کرد. در زمان استیصال، این لباسها را تکه تکه گرو می‌گذارند تا اینکه ذخیره آنها پایان پذیرد.<sup>۱</sup>

## پوشاک خواب زنان

### در زمان ناصرالدین شاه قاجار

خانم شیل می‌نویسد:

«تقریباً همه زنهای ایرانی، از وجود... [رسم پوشیدن لباس خواب] در بین ما حیرت می‌کردند و به هیچ وجه نمی‌توانستند به خود بقبولانند که یک زن می‌تواند شب، موقع خواب، لباسهایش را درآورد و با لباس خواب به بستر برود. زیرا آنها فقط موقعی لباس از تن می‌کنند که قصد حمام گرفتن داشته باشند. وگرنه، زنهای ایرانی به هنگام خواب، چادرشبی را که در کنار دیوار قرار دارد، باز می‌کنند و با همان لباس معمولی در روی تشکی که بر زمین پهن کرده‌اند، می‌خوابند و به جای پتو نیز یک لحاف پنبه‌ای بر روی خود می‌اندازند. البته آنها اگر لباس فاخر و خوش دوختی را در موقع دیدار دوستان و یا حضور در مجالس مهمانی پوشیده باشند، به هنگام خواب، از تن در می‌آورند. وگرنه بجز همین گونه البسه تزیینی، هیچگاه بقیه تن‌پوش را در نمی‌آورند و حتی دیده شده که زمستانها گاهی با چادر - که پوشش زنها در خارج از منزل است - به رختخواب می‌روند.»<sup>۲</sup>

۱- سفرنامه پولاک، ص ۱۱۶.

۲- خاطرات لیدی شیل، ص ۱۶۳-۱۶۲.

## پوشاک زنان

## در اواخر زمان ناصرالدین شاه قاجار

هانری بایندر در این باره می‌نویسد:

«لباس زنان در خانه، هم بسیار مرغوب و تجمل‌آمیز است و هم لباسهای ساده می‌باشند. و بیرون خانه، آن نوع لباسی است که از نظر رعایت عفت در آن اسراف گردیده است.

«لباسی که زنان در خانه می‌پوشند، خیلی شبیه جورابه‌های بلند رقاصه‌های باله است، به استثنای پیراهن تنگ چسبان. کفشهای راحتی سبک با جورابه‌های ساقه کوتاه و به جای دامن، چندین شلیته بسیار کوتاه که روی هم پوشیده می‌شود؛ و به جای بالانته، پیراهنی ابریشمی و بالانته‌ای مانند بالانته سربازان الجزایری که دارای یراق‌دوزی طلا و طرحهای قشنگ است. کلاه کوچک بدون لبه سرخ‌رنگی نیز بر سر می‌گذارند.

«در کوچه، شلواری گشاد که تمام شلیته‌ها را داخل آن می‌کنند [!]. پوشیده می‌شود. این شلوار در انتهایش حکم جوراب دارد و بدین طریق داخل کفش می‌شود. بر روی سر، چادری از جنس پارچه پنبه‌ای آبی که به صورت روپوشی است به کار می‌برند و روی صورت را با پارچه چلواری سفید می‌پوشانند. در مقابل چشم، شبکه‌ای به شکل ابریشم‌دوزی تعبیه شده است. این حجاب را رویند گویند.»<sup>۱</sup>

۱- سفرنامه هانری بایندر، ع ۱۱۳-۱۱۱.



تاج‌السلطنه (دختر ناصرالدین شاه قاجار)  
در لباس سنتی  
عکس از کتاب عکسهای قدیمی ایران



هنری موزر می‌نویسد:

«ظاهراً سبک لباس زنهای تماشاخانه اروپا، مطلوب طبع اهالی مشرق زمین شده است که زنهای ایران، زیرجامه‌های کوتاه می‌پوشند. این فقره برحسب روایت است و به نظر من نیز صحیح می‌آید. چون که شکی نیست که زنهای متشخصه ایران، لباس رقاصان زنانه فرنگستان را می‌پوشند.<sup>۱</sup>»

«شغل زنها در ایران دو چیز است: یکی آنکه خیال خود را به لباس خود صرف می‌نمایند و دیگر آنکه دید و بازدید می‌کنند.

«در وقت زینت خود، کاری که می‌کنند این است که به حمام می‌روند و این کار به قدر نصف روز طول می‌کشد. در حمام، موهای سر خود را رنگ کرده و می‌بافند. ابروهای خود را به شکل کمان، و سمه می‌کشند. پاها و ناخنهای خود را با حنا رنگ می‌نمایند. البته این کارها وقت زیاد لازم دارد. من همراه خود، یک دست اسباب بزرگ و لباس ایرانی دارم و یقین بدانید که تفصیل آن بیشتر از وضع بزرگ و لباس با سلیقه‌ترین زنهای فرنگستان است.»<sup>۲</sup>

۱- ناصرالدین شاه پس از سفر به فرنگ و مشاهده بالرینهای اروپایی، دستور داد تا زنان حرمسرا نیز به تاسی از بالرینها، شلیته‌های خود را بسیار کوتاه (همچون مینی‌ژوپ بعدی) بکنند و در زیر آن به جای شلوار گشاد از جوراب شلواری استفاده کنند. البته باید توجه داشت که این پوشش، تنها مخصوص اندرون بوده است.

۲- سفرنامه ترکستان و ایران، ص ۲۶۸.

## مینی‌ژوپ زنان

### در زمان ناصرالدین شاه قاجار!

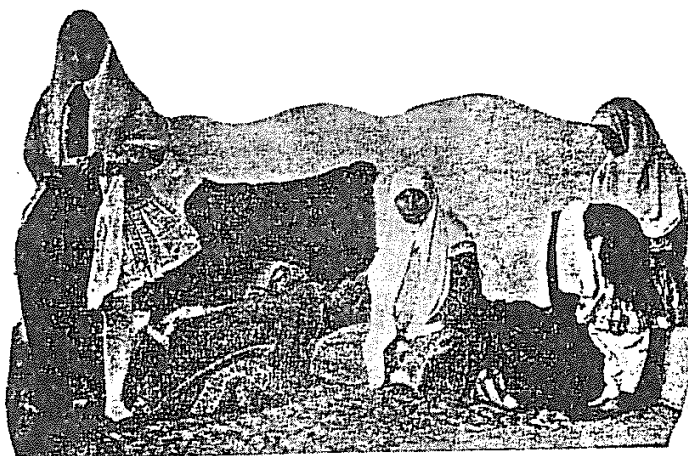
خانم کارلا سرنا می‌نویسد:

«همانقدر که وضع پوشیدن لباسهای سینه‌باز، گاهی در اروپا به افراط گراییده است، در تهران نیز پوشیدن لباسهای بالای زانو و ساق‌نما میان خانمها متداول شده است. در اندرون، پوشش زن، عموماً عبارت از شلیته کوتاهی است که به زیر کمر، بند می‌شود. از همان لباسهایی که رقاصه‌های ما می‌پوشند. هر چه دامنها کوتاهتر، به همان میزان، وضع لباس پوشیدن، مقبول‌تر است.

«... به طوری که می‌گویند این نوع مد لباس از طرف مادر ناصرالدین شاه، رایج گردیده است. گویا از تصویر نمایش باله‌ای که نشانش داده‌اند، خوشش آمده و خواسته است در نحوه آرایش و لباس پوشیدن زنان، تحولی ایجاد کند. به این ترتیب، شلیته‌های دامن کوتاه در محافل زنانه، رایج، حتی بیش از نمونه اصلی، روز به روز کوتاهتر هم شده است.

«نکته بامزه‌ای را از قول دختر بچه‌ای برای من نقل کردند که به هنگام مسافرت شاه به اروپا، وقتی که ملتزمین وارد باکو می‌شوند، همسر حاکم شهر به همراه دختر خردسالش به دیدار زن سوگلی شاه می‌رود و مدتی در اطاق، منتظر می‌ماند. بعد از مدتی که همسر شاه وارد می‌شود، دختر بچه، خطاب به مادرش فریاد می‌زند: مادر، این خانم آنقدر برای دیدن تو عجله داشت که حتی وقت نکرده لباسش را بپوشد!»<sup>۱</sup>

۱- آدمها و آینهها در ایران، ص ۷۴.



پوشاک زنان ایرانی  
در زمان مظفرالدین شاه قاجار  
عکس از کتاب دالماتی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری



۱۴- تاج السلطنه (دختر ناصرالدین شاه قاجار)  
در لباس غربی  
عکس از کتاب عکسهای قدیمی ایران

دالمانی می‌نویسد:

«مهماندار ما مادام بارنا اوت که چند سالی است یک خیاطخانه هم برای خانمهای ایرانی در تهران دایر کرده است، برای سرگرم نمودن ما راجع به لباس زنان ایرانی شرح مفصلی نقل کرد. او گفت: زنان در خانه، شلوار تنگی بپا دارند و در روی آن تنبان کوتاهی می‌پوشند که دامن آن تا سر زانو می‌آید و آنرا معمولاً شلیته می‌گویند. بهترین آرایش آنها پوشیدن تنکه‌ای است شبیه به تنکه رقاصه‌های اروپایی که چسبنده است و رنگ تندی دارد. ولی در موقع بیرون رفتن از خانه، شلوار سیاهی می‌پوشند که شبیه است به پارچه سرپوش کشیشان. این شلوار از بالا گشاد و در ساق پا تنگ است و آنرا چاقچور می‌نامند. لباس عجیب خانگی آنها قدیمی نیست، از وقتی که ناصرالدین شاه در تاریخ ۱۸۷۳ از سفر اروپا مراجعت کرد، این لباس را در اندرون خود معمول نمود. شاه ایران در مدت اقامت در اروپا به تأثرها و سیرکها می‌رفت و از تماشای رقاصه‌ها با آن لباسهای مخصوص لذتی می‌برد. بنابراین در موقع بازگشت امر کرد که تمام زنان حرمش به چنین لباسهایی ملبس گردند و بتدریج زنان اعیان و اشراف هم از آنها تقلید کردند و این لباس در ایران معمول شد.

«زنان حرم بزرگان برای آرایش خود پول زیادی مصرف می‌کنند. پارچه‌های حریر گرانبهایی را از فرانسه و سایر کشورهای اروپا وارد می‌کنند و پس از دوختن، بیشتر از ۴ یا ۵ دفعه نمی‌پوشند و بعد به خدمتکاران می‌بخشند.»<sup>۱</sup>

## کفشهای زنان

### در زمان احمد شاه قاجار

خانم کولیور رایس می‌نویسد:

«[کفشهای ساخت وطن] به لحاظ شکل ظاهر و رنگ، بسیار زیبایی دارند و از چرمهای زرد، سبز، آبی و قرمز دوخته می‌شوند. اما فقط دارای قسمت جلواند و پشت باز می‌باشند. اگر هم دارای قسمت پشت باشند، معمولاً آن را می‌خوابانند. پاشنه آنها نعل آهنی سنگینی دارد. در نتیجه، همواره پاشنه کفش، لق می‌خورد و صدا می‌کند. یکی از دلایل این کار، این است که کفش را بتوان جلودرگاه اتاق به آسانی از پای درآورد. دلیل دیگر، آن که غیر ممکن است زنی از خانه خارج شود و کسی متوجه نشود.

«زنان به ندرت کفشهای نرم کتانی یا گیوه به پا می‌کنند. هرگز آن سفری که زنی ایرانی را همراه خود بردم، فراموش نمی‌کنم و زمانی که مجبور شدیم از شیب صخره‌ای کوهی پایین رویم، عذابی را که به خاطر به پا داشتن کفشهای لعنتی و وحشتناکش کشید، از خاطر نمی‌برم. گرچه خلاف رسم و رسوم بود، از این فرصت استفاده کردم و یک جفت گیوه راحت برای او خریدم که از آن پس، زن دیگری شد. «اکنون کفشهای بیرون خانه و رسمی اروپایی، تا حد زیادی در حال گرفتن جای کفشهای بی‌پاشنه وطنی است. جورابه‌های زنانه ساق بلند نیز دارد جای جورابه‌های ساق کوتاه را می‌گیرد. کفش‌دوزان ایرانی در تقلید از کفشهای غربی، بسیار زیرکانه و با مهارت عمل می‌کنند و تمام کسانی که توان خرید کفشهای چرمی خوب یا حتی چکمه‌های بلند بنددار را دارند، از این گونه کفشها به پا می‌کنند.»<sup>۱</sup>

## پوشاک زنان خدمتکار در زمان مظفرالدین شاه قاجار

دالمانی می نویسد:

«خدمتکاران در اندرون، اغلب با پای برهنه راه می روند. نیم تنه تنگی می پوشند که به تن آنها فشار وارد می آورد و تنبان کوتاهی هم دارند که دامن آن تا نیمه ران می رسد و غالباً شلوار نمی پوشند.»<sup>۱</sup>



سه زن از خدمتگزاران اندرونی حشمت الممالک  
عکس از کتاب عکسهای قدیمی ایران



دختر خدمتکار با بچه اربابش  
عکس از کتاب ایران قدیم به روایت تصویر

## پوشاک زنان اقوام مختلف ایران

### پوشاک زنان بختیاری

#### در زمان محمد شاه قاجار

سرلا یارد، ظاهراً به عنوان نخستین فرنگی در میان بختیاریه‌ها، در این باره می‌نویسد:

«خانمها بیشتر ترجیح می‌دهند که در میان چادرها آرایش کنند. لباس پوشیدن زنهای کمی با مردها تفاوت دارد. آنان بعد از بیرون آمدن از رختخواب، فقط بلوز یا ژاکت خود را به تن می‌کنند. زنهای بختیاری تقریباً لباسی شبیه به لباس سایر زنهای ایرانی به تن دارند. به استثنای زنهای خوانین، لباس دیگران از یک نوع پارچه زبر و خشنی است که به وسیله خودشان بافته می‌شود، یا یک نوع چیت خارجی است که از فروشندگان دوره‌گرد خریداری می‌نمایند. این لباسها عبارتند از یک شلوار بسیار گشاد و فراخ از حد تهیگاه تا روی قوزک پا و یک پیراهن سفیدکتانی تا روی بند شلوار. این نوع پیراهن از جلو باز و به وسیله یک حلقه مخصوص به دور گردن بسته می‌شود. روی پیراهن یک ژاکت که معمولاً از چیتهای خارجی یا ابریشمی دوخته شده، به تن می‌کنند و هنگام استفاده، آستینش را تا حد آرنج، بالا می‌زنند و گاهی نیز آن را پایین می‌کشند. این ژاکتها نیز از جلو باز و بسته می‌شوند. «غیر از این ژاکتها، گاهی اوقات در زمستان، یک نوع بلوز پارچه‌ای نیز به همان طرح، روی لباسهای خود می‌پوشند. ژاکت زنهای خوانین که معمولاً طلا گلابتون دوزی شده، از یک نوع شمال کشمیر یا پارچه‌های ابریشمی یا مخمل دوخته می‌شود. زنهای بختیاری، تمام سینه و قسمتی از جلوی بدن خود را بدون حجاب

نگه می‌دارند. مگر آنکه گاهی به علامت احترام در مقابل شوهرانشان یا در برابر مرد بیگانه‌ای این قسمت از بدن را زیر روسری بزرگ رنگی شرابه‌دار خویش که دور سر و گردنشان پیچیده‌اند، پنهان می‌نمایند.

«آنان قسمتی از موهای خود را در رشته‌های متعددی بافته و در عقب سر آویزان می‌کنند و بخش دیگر را با چین و شکن در اطراف صورت و روی پیشانی قرار می‌دهند. زنهای فقرا و طبقات پایین، یک دستمال سیاه ابریشمی یا یک روسری سفیدکتانی به دور سر می‌بندند و گوشه‌های آن را از پشت آویزان می‌کنند. در اندرون نیز بعضی اوقات، خانمها عرقچینهایی از شال کشمیر که به اقسام و انواع جواهرات مزین شده، به سر می‌گذارند.

«زنهای بختیاری به ندرت جوراب به پا می‌کنند. آنان یک نوع پافزار به نام گیوه که تخت آن چرم است و وسیله خودشان بافته می‌شود، به پا می‌کنند و بعضی اوقات نیز یک نوع کفش ساغری سبز رنگ چرمی که دارای پاشنه‌های بلندی است و در شهر دوخته می‌شود، می‌پوشند.»<sup>۱</sup>

#### در زمان ناصرالدین شاه قاجار

ایزابلا بیشوپ در این باره می‌نویسد:

«آنان [زنان بختیاری] دارای دست و پایی پر توان و قدمهایی بلند و استوار، و هنگام راه رفتن، خیلی چست و چالاک گام بر می‌دارند. بیشتر زنان بختیاری، بلند قداند و به ندرت زنهای چاق و فربه بینشان دیده می‌شود. و دست و پاهایشان کوچک و اغلب انگشتانشان در اثر کار زیاد، طراوت و زیبایی زنانه را از دست داده‌اند. دستهای یک زن بیست ساله، به نظر چهل ساله می‌رسد. زنهای دارای

دماغهای قلمی و دهانهایی تنگ و خوش ترکیب و لبهایی نازک و موهایشان صاف و پرپشت اند. گرچه بیشترشان از دردهای دندان رنج می‌برند، ولی دندانهایی سفید و منظم و زیبا و سالم دارند.

«لباس زنهای خوانین، به استثنای شلووارهای گشاد، اغلب شبیه تن‌پوش سایر زنان ایرانی است. ولی زنان زحمتکش بختیاری، یک شلووار گشاد آبی‌رنگ تا روی قوزک پا و یک پیراهن که قسمت جلو آن باز است، به تن می‌کنند و یک «مینا» روسری به دور سر خود می‌بندند که نیمی از آن پشت و نیمی دیگر جلو سینه‌شان را می‌پوشاند. و اغلب یک نوع گیوه تخت چرمی، «کالک» نیز به پا دارند. تن‌پوش اینان چندان زیبا نیست. اما در حقیقت، این پارچه‌ها چرک‌تاب و پرداوم‌اند.

«کف دستهایشان را با حنا، خضاب می‌کنند. و هر کدام هم یک طلسم یا دعایی به گردن آویزان می‌کنند. و برخی هم آیه‌هایی از قرآن را روی تکه کاغذی نوشته شده، به عنوان تبرک و تیمن، در قابهای نقره یا چرمی جاسازی می‌کنند و روی بازوی خود می‌بندند.

«در شب، هنگام خواب، تن‌پوش خود را غیر از لباس زیر، از تن خارج می‌کنند و برای شستشو، آب قلیلی مصرف می‌کنند. هر کدام یک آفتابه لگن مسی منقوش و زیبایی دارند که برای شستن سر و صورت از آن استفاده می‌کنند. صبح‌ها که از خواب بر می‌خیزند، بدون اینکه از صابون استفاده کنند، مقداری آب در کف دست راست خود می‌ریزند و صورت و بازوهای خود را شستشو می‌دهند. و سپس کمی آب در دهان می‌ریزند و آن را مزه مزه می‌کنند و دندانهای خود را با انگشت سبابه یا با مقداری خمیر صورتی رنگ گل ختمی، مالش می‌دهند و پس از ادای نماز به کار روزانه خود می‌پردازند.»<sup>۱</sup>

لرد کرزن درباره پوشاک زنان بختیاری در زمان ناصرالدین شاه آورده است:

«چادر زنان [بختیاری] نیز به رنگ کبود تیره است... زنها چاقچور شبیه شلووار لینه‌دار می‌پوشند، یعنی به اصطلاح رایج اواخر قرن نوزدهم، دامن چاک‌دار و پیراهن گشاد که روی آن شال می‌بندند.»<sup>۱</sup>

## در زمان مظفرالدین شاه قاجار

دالمانی می‌نویسد:

«لباس زنان طبقه ممتاز مانند لباس سایر زنان ایرانی است، با استثنای تنبان که بسیار بلند و دارای چین‌های متعددی است. اما زنان روستایی شلواری دارند که پاچه آن در میچ پا چین خورده و در بالای آن پیراهن و نیم‌تنه‌ای پوشیده‌اند که قسمت جلوی آن باز است. بعلاوه پارچه بزرگ سیاه یا رنگین به دور سر پیچیده‌اند که گوشه‌های آن روی شانه افتاده است و چون به مرد بیگانه‌ای برخوردند فوراً به تقلید زنان شهرنشین با همین گوشه‌ها صورت خود را می‌پوشانند.

«زینت زنان عبارت است از گردن‌بند و قاب قرآن نقره یا چرمی که به بازوبند می‌بندند و حنای زیادی برای رنگین کردن گیسوان و ناخن‌های دست و پا استعمال می‌نمایند.»<sup>۲</sup>

## پوشاک زنان لرهای فیلی

### در زمان ناصرالدین شاه

لرد کرزن دربارهٔ پوشش و نوع کارها و مسئولیتهای زنان فیلی - از طوایف لر - در زمان ناصرالدین شاه می‌نویسد:

«آنها مثل همهٔ طوایف بادیه‌نشین، بی‌حجاب‌اند<sup>۱</sup> و در عنفوان جوانی، نیک شاداب. اما درست در سن و سالی که زن غربی، زیبا و دلپذیر است، زندهای لر، پاک از رونق و حال محروم‌اند.<sup>۲</sup>

«لباس آنها بی‌قواره و گشاد است، بدون اینکه شاید زیرپوشی داشته باشند. آنها زندگی مشقت‌باری دارند. مراقبت و دوشیدن شیر از گاو و گوسفند با ایشان است. ماست را در کیسه، خشک می‌کنند و از شیر، کره می‌گیرند و در نصب و پیاده کردن چادرها کمک می‌نمایند و فرش می‌بافند و با پوست بز، چادر می‌سازند.»<sup>۳</sup>

۱- البته منظور لرد کرزن از حجاب، در اینجا چادر بوده است. وگرنه بادیه‌نشینهای ایران نیز از گونه‌های حجاب عرفی برخوردار بوده و هستند.

۲- جای تعجب است که در حالی که خود لرد کرزن در سطور پایین به زندگانی بسیار سخت زنان بادیه‌نشین اشاره دارد، باز هم به خود جرأت می‌دهد و ایشان را از نظر شادابی و لطافت با زنان نازپروردهٔ غربی، مقایسه می‌کند.

۳- ایران و قضیهٔ ایران، ج ۲، ص ۳۴۱.



پوشاک زنان لرستان  
در زمان ناصرالدین شاه قاجار  
عکس از کتاب سفرنامهٔ هائری بایندر

## پوشاک زنان بلوچ در زمان فتحعلی شاه قاجار

پاتینجر در این باره می‌نویسد:

«پوشاک زنان خیلی شبیه مردان است. جامه زنان معمولاً از پارچه‌های پنبه‌ای به رنگ قرمز یا قهوه‌ای است. بسیار بلند تا پاشنه پا که از جلو تا زیر بغل باز می‌شود و از آنجا که در زیر آن چیزی در بر نمی‌کنند، بدن به وضع قابل ملاحظه‌ای نمایان است. شلوار زنان به طور طبیعی، گشاد و جنس آن از پارچه‌ای است ابریشمی یا مخلوطی از نخ ابریشم و پنبه. زنان جوان، هم دختران و هم آنهایی که شوهر دارند، روش بسیار ساده و اصیل و زیبا [بی] در بالا بستن موهای سر دارند. گیسو را به دسته‌های مختلف تقسیم می‌کنند و هر یک را به دور سر پیچانده و انتهای آن را به صورت تاجی در روی سر گره می‌زنند و به قدری گیسوان را با نظم و ترتیب در هم آمیخته و آرایش می‌دهند که من از فاصله بسیار نزدیک، بارها تصور کرده‌ام که شاید کلاهی، تاج مانند بر سر دارند. زنان سالخورده، دستمالی به دور سر گره می‌زنند و آن را با پارچه پشمی یا ابریشمی گلدار، زینت می‌دهند. زنان، چه پیر و چه جوان، وقتی از منزل بیرون می‌روند، صورت خود را می‌پوشانند تا دیده نشود. لیکن در منزل، آزاد هستند.»<sup>۱</sup>

## پوشاک زنان براهویی بلوچ در زمان فتحعلی شاه قاجار

پاتینجر می‌نویسد:

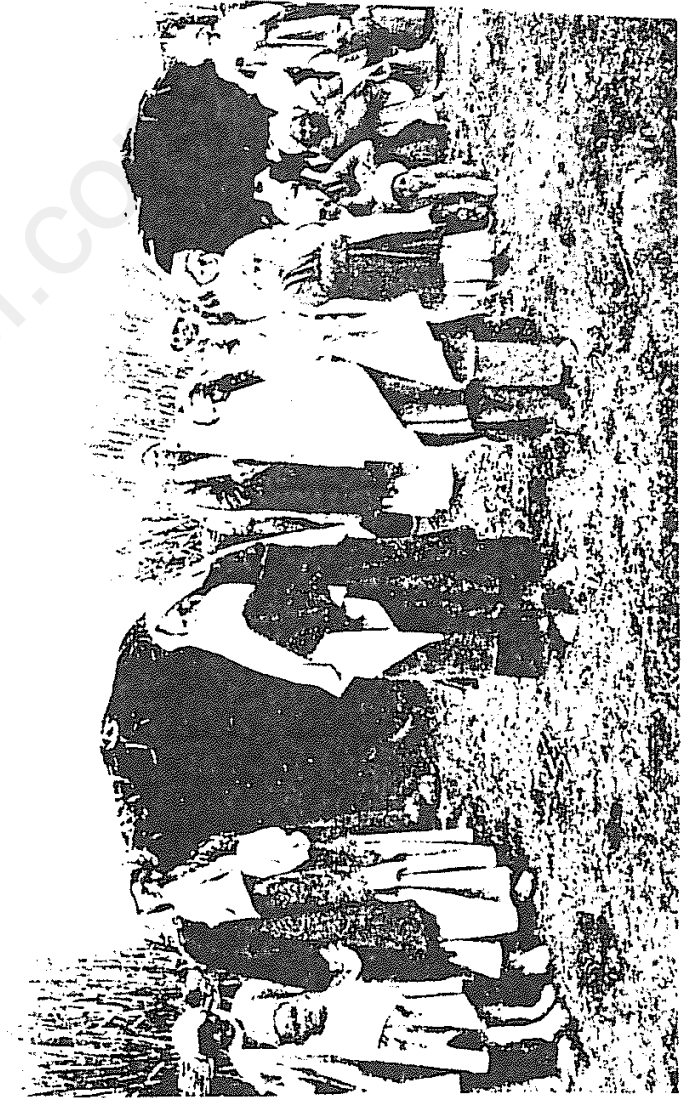
«لباس زنان [براهویی] مشتمل است بر جامه‌ای بلند و شلوار که هر دو از پارچه پنبه‌ای است. وقتی به سن بلوغ می‌رسند، بر روی لباس سابق، یک نوع جلیقه که در پشت با بند بسته می‌شود و جلوی آن با نقشا و طرحهای خنده‌آوری از پرندگان و حیوانات که با نخ رنگین بافته شده، تزئین می‌گردد، می‌پوشند.»<sup>۱</sup>

## پوشاک زنان ترکمن در زمان ناصرالدین شاه قاجار

خانم شیل در شرح اقامت اجباری ۵۰-۴۰ خانواده از قبیله گولکان ترکمن به عنوان گروگان در تهران، می‌نویسد:

«زنان ترکمن گروگان در تهران - که اغلب به صورت اشخاص بی‌هدف در محلات مختلف شهر، سرگردان هستند - بدون توجه به شرایط محیط، حتی چادر هم به سر نمی‌کنند. لباس آنها معمولاً یک شکل و یک فرم است و شامل شلوار تنگ





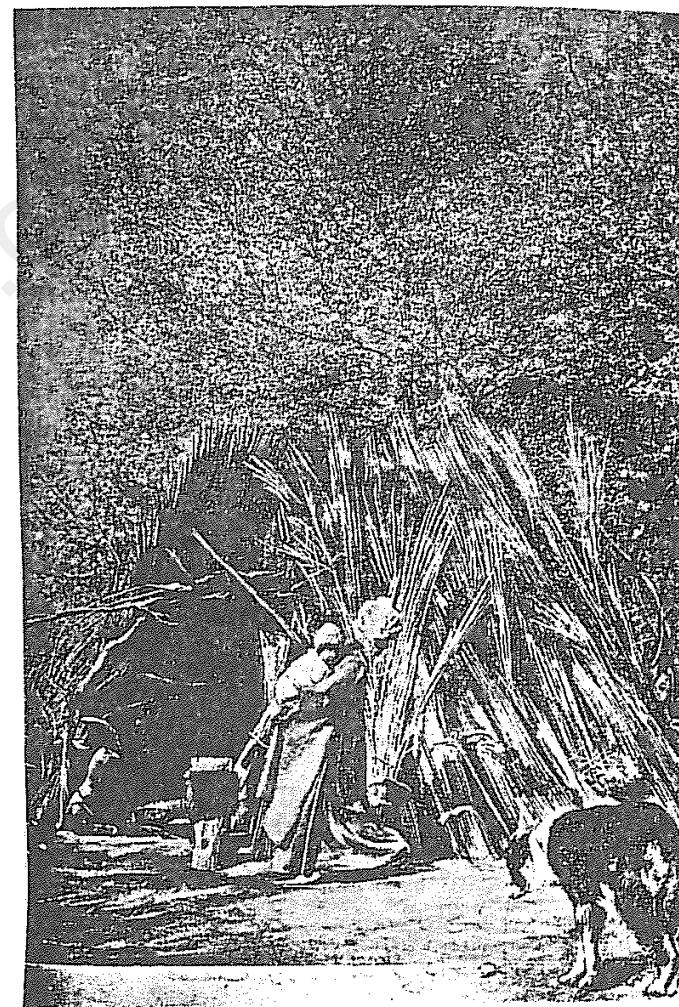
پوشاک زنان سیستان  
در زمان مظفرالدین شاه قاجار  
عکس از کتاب هدین، گوهرهای ایران

قرمز همراه با جلیقه یا کتی قرمز رنگ از پارچه زیر می باشد که بسیار دراز است و اغلب تا پایین زانو می رسد و سر و گردن خود را نیز با چارقد زرد رنگی می پوشانند.<sup>۱</sup>



دختران کُرد  
عکس از کولبور رایس، زنان ایرانی

۱- خاطرات لیدی شیل، ص ۱۶۸.



پوشاک زنان ترکمن در زمان قاجار  
عکس از کتاب دالمانی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری



پوشاک زنان ترکمن در زمان قاجار  
عکس از کتاب زندگی و سفرهای وامبری

## پوشاک زنان دیگر ادیان ایران

### پوشاک زنان زرتشتی اصفهان

### در زمان شاه عباس بزرگ صفوی

دلا واله می نویسد:

«لباس زنان [زرتشتی]... بیش از آنکه به لباس زنهای ایرانی فعلی شباهت داشته باشد، شبیه عربها و کلدانیها و همانند ردایی است که من از ناپل به قصد اورشلیم همراه آورده‌ام. یعنی بدون کمر پوشیده می شود و بر تن، فراخ است. چیزی که به لباس زنهای گبر [= زرتشتی] لطف و ملاحظت خاصی می بخشد، روسری آنان است که رنگی بین سبز و زرد دارد، ولی بیشتر متمایل به زرد است. زنهای گبر این دستار را مانند عربها و کلدانیها دور صورت خود می بندند، در حالی که یک سر آن از جلو تا کمر، و انتهای دیگر آن از عقب به طرف زمین آویزان است و مجموعاً نمای خوشی دارد.

«زنان مزبور، بر عکس زنهای مسلمان، با سر و روی باز به کوچه و خیابان می روند.»<sup>۱</sup>

فیگوئروا آورده:

«لباس زنان زرتشتی ایران، هیچگونه مشابهتی با ملبوس دیگر زنان ایران



پوشاک زنان زرتشتی در زمان صفویه  
عکس از سفرنامه پیتر و دلا واله

ندارد. با اینکه اینان نیز نوعی شلوار نازک بر پا دارند، بالاپوش یا قبایی بسیار گشاد می‌پوشند که تا قوزک پای آنها می‌رسد. آستینهای این بالاپوش، بسیار دراز و شبیه لباس زنهای عرب است که آستین لباسشان به قدری بلند است که برای گرفتن بازوی یکدیگر قادر نیستند دست را از آستین به در آورند.

زنهای گبر [= زرتشتی]، سر و مو و گردن خود را طوری می‌پوشانند که جز صورتشان پیدا نیست و روسریهای آنها بی‌شبهت به سربندهای زنان سالمند اسپانیایی نیست، جز اینکه کلاه یا سر بند زنان گبر، چین دار نیست. این لباس، بدانها نوعی برتری و وقار می‌بخشد. رنگ مویشان کم و بیش روشن، اما بیشتر مایل به حنایی و قهوه‌ای است. رنگ پارچه‌ای را که روی روپوش خود می‌اندازند، متناسب با رنگ موی خود عوض می‌کنند و همواره کمی روشن‌تر از رنگ روپوش یا قبای آنهاست.<sup>۱</sup>

## در زمان ناصرالدین شاه قاجار

مک‌گرگر می‌نویسد:

«لباس زنهای گبر [= زرتشتی]، نمونه‌ی درستی است از آنچه در کتابها درباره‌ی زنهای شرقی می‌خوانیم. آنها طرفدار رنگهای متنوعی می‌باشند. سرپوشی رنگارنگ به سر می‌گذارند. پیراهن آبی یا چهارخانه می‌پوشند و شلوار خال خال به پا می‌کنند. ولی در خانه، حجاب ندارند.»<sup>۲</sup>



پوشاک زنان زرتشتی در بیرون خانه  
در زمان مظفرالدین شاه قاجار  
عکس از کتاب دالمانی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری

۱- سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا، ص ۲۰۶.

۲- شرح سفری به ایالت خراسان، ص ۷۹.

## پوشاک زنان ارمنهٔ جلفای اصفهان

### در زمان شاه عباس بزرگ صفوی

فیگوئروا می نویسد:

«لباس زنان ارمنی با دیگران، اندکی متفاوت است. بدین معنی که زنان ارمنی، هیچگاه روپوش سفید نمی پوشند، بلکه روپوش آنان سیاه یا قهوه‌ای رنگ و بلندی آن تا سر زانو است. روسری این زنان، شبیه زنان دهقانان اسپانیا است. اینان نیز همچون دیگر زنهای ایرانی و عرب، شلوار برپا می کنند.

«زنان جوان ارمنی، نواری تنگ و فشرده از تافته‌های رنگارنگ بر پیشانی می بندند؛ و آنها که اجتماعی ترند، روی این نوار، توری از طلا یا از پارچهٔ خود نوار می اندازند که همچون گوش بند کلاه خود پیاده نظام ما، گونه‌ها را تا گلو می پوشاند. این تور را چنان می بندند که مویها و همهٔ اطراف صورت به راحتی در آن جای می گیرد و چهره‌شان کاملاً گرد و پف کرده به نظر می آید.»<sup>۱</sup>

### در زمان شاه سلیمان صفوی

شاردن در این باره آورده:

«زنان ارمنی، برخلاف بانوان مسلمان، حتی در منزل نیز، در صورتی که



پوشاک زنان مسلمان و زرتشتی اصفهان در بیرون خانه  
در زمان مظفرالدین شاه قاجار  
عکس از کتاب دالمانی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری

۱- سفرنامهٔ دن گارسیا دیسیلوا فیگوئروا، ص ۲۳۱-۲۳۲.

شوهر کرده باشند، حجابی دارند که بینی را مستور می‌سازد. این پوشش برای آن است که خویشاوندان بسیار نزدیک و کشیشان که مجاز به ملاقات ایشان می‌باشند، فقط یک قسمت از صورت را مشاهده کنند. اما دختران تا دهان، صورت خویش را مستور می‌سازند و این دلیل معکوسی دارد. یعنی تا اندازه‌ای مرئی باشند که زیبایی صورتشان نمودار گردد و تعریفشان بر سر زبانها بیفتد.<sup>۱</sup>

## در زمان شاه سلطان حسین صفوی

کاری آورده:

«زنان ارمنی، غالباً زیبا و ملیحند و در پی زیبایی تصنعی نیستند. سر خود را با چارقد کتانی سفید می‌پوشانند و گوشه‌های آن را زیر چانه خود محکم می‌کنند. اغلب یک رشته گیس دارند که توی کیسه کوچکی از مخمل سیاه، روی شانه خود می‌اندازند. زنجهای بسیار متمول، زینت آلات زرین و مرصع نیز به کار می‌برند.»<sup>۲</sup>

## در زمان ناصرالدین شاه قاجار

ایزابلا بیشوپ می‌نویسد:

«زنها [ی ارمنی جلنای اصفهان] با قیافه‌ای گلگون و آلبالویی رنگ، بدون نقاب، در حالی که پیرهنهای قرمز رنگ و چادرهای سفیدی بر سر داشتند، آزادانه

۱- سیاحتنامه شاردن، ج ۴، ص ۲۱۸.

۲- سفرنامه کاری، ص ۱۰۱.

در رفت و آمد بودند.»<sup>۱</sup>



پوشاک زنان جوان ارمنی  
در زمان قاجار  
عکس از کتاب ایران قدیم به روایت تصویر

۱- از بیستون تا زردکوه بختیاری، ص ۳۰.

## حجاب زنان ارمنه

### در زمان ناصرالدین شاه قاجار

خانم شیل در این باره می‌نویسد:

«در میان زنهای ارمنی [ایران]، پوشانیدن دهان در هر کجا که هستند و حتی در منزل رعایت می‌شود و انزوایی آنها - مخصوصاً در زنهای شوهردار - به مراتب از آنچه در بین زنهای ایرانی شیوع دارد، بیشتر و شدیدتر است. چون موقعی که یک دختر ارمنی ازدواج کرد، تا سالها به هیچ وجه مآذون به دیدار حتی نزدیک‌ترین مرد خویشاوند خودش نیست و به طور کلی باید در سالهای اولیه ازدواج، در عزت و سکوت به سر ببرد و روی خود را حتی از پدر و مادر همسرش نیز پنهانند.»<sup>۱</sup>



پوشاک زنان ارمنی نواحی اصفهان  
در زمان ناصرالدین شاه قاجار  
عکس از کتاب بیشوپ، از بیستون تا زردکوه بختیاری

۱- خاطرات لیدی شیل، ص ۲۰۱.



پوشاک زنان ارمنی  
در زمان شاه عباس بزرگ صفوی  
عکس از کتاب سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا

## پوشاک زنان آرامنه در نواحی بختیاری

### در زمان ناصرالدین شاه قاجار

ایزابلا بیشوپ در توصیف سفر خود به میان ایلات بختیاری، در ضمن شرح ملاقات خود با آرامنه منطقه، توضیحات جالبی درباره پوشاک ایشان ارائه می دهد:

«کدخدای یک روستای ارمنی نشین به نام لیباسگون - که دو مایل از قرارگاه ما فاصله داشت - مرا دعوت کرد تا با اهالی - که همه مسیحی بودند - ملاقات کنم. آنان نشان صلیب را به خود آویزان کرده و از ما استقبال کردند.

«زنان با لباسهای نو و تمیز و چشمانی درشت و گونه‌هایی زیبا و برافروخته به من خوشامد گفتند. آنان چادرهای سفیدی به سر و لباسهای زرد و سرخ ملیله دوزی قشنگی به تن داشتند. زنهای شوهردار، کمربندهایی پهن از سکه‌های نقره - که چند پوند وزن داشت - بر کمر بسته و نیم تاج یا پیشانی‌بندی از نقره بر سر، و گردنبند بسیار بزرگی با مفتولهای نقره به گردن آویزان کرده و همه تکه تور سفیدی دور دهان و دماغ خود پیچیده که تنها نیمی از قرص صورتشان پیدا بود. آنان به من گفتند که این لباس ملی آنهاست و حتی موقع خوردن بیسکویت یا نان شیرینی، تور را از صورت خود بر نمی داشتند و هنگام نوشیدن جای با تردستی خاصی، فنجان جای را از زیر نقاب رد می کردند و آن را می نوشیدند.

«خانمها هر کدام چند کلاف بزرگ پشم همراه داشتند تا آنها را جلو آفتاب خشک کنند. ولی کدخدا آنان را به خاطر حرمت من از مجلس بیرون کرد و گفت عصر دوباره برای ملاقات بیایند...

«زنها... اوقات خود را با قالیبافی و قلابدوزی سپری می کنند. این قلابدوزیها

بر روی پارچه سفید نخی انجام می گیرد که پس از اتمام، بعضی از آنها را با نیل به رنگ آبی یا با روناس - که از گندمان تهیه می کنند - به رنگ سرخ در می آورند.

«... من بعد از ظهر آن روز، سواره به دهکده وارد شدم و در یک بالاخانه از من پذیرایی به عمل آوردند. اتاق با قالی زیبایی مفروش بود. چند مخده نیز در قسمت فوقانی اتاق گذاشته بودند. طولی نکشید که عده زیادی از خانمهای خوش هیكل و زیبا [ی ارمنی] دور و بر من جمع شدند. آنان ژاکتهای سرخ رنگی - که جلو آن باز بود - در بر و کلاههایی از مخمل سرخ - که لبه‌های آن را با سکه‌های نقره آرایش داده بودند - بر سر نهاده و گردنبندهایی از سکه‌های طلا به گردن انداخته و هر کدام به رسم مسلمانان، خود را در زیر چادر پنهان کرده بودند. چهل نفر زن در چند ردیف پشت به دیوار نشسته بودند. آنان چهره‌هایی گلگون و چشمانی سیاه داشتند و هر کدام هم بر حسب سنت ملی خود، یک تکه تور سفید، دور دهان خود بسته بودند. من از دیدن این همه هیئتهای یکنواخت، سخت یکه خوردم. آنان ساکت و صامت و بدون حرکت، سر جای خود نشسته بودند و گویی تنها چشم به فرمان شوهرانشان دوخته بودند.

«گفتگوهای ما درباره مسائل خنک و بی مزه از قبیل اینکه من چند سال دارم و چرا موهایم را رنگ نمی کنم، آغاز شده بود. متأسفانه من نتوانستم ساده‌ترین اطلاعاتی را از آنان کسب کنم، اتاق لحظه به لحظه گرمتر می شد.

«من پرسشی را مطرح کردم که بعدها از بابت آن بسیار خوشحال شدم. و این پرسش درباره دامن قلابدوزی بود که هر دختر، هنگام عروسی از مادرش دریافت می کند. ظاهراً آرامنه این فن را از روسها آموخته بودند. آنان قلابدوزیهای ظریفی را روی پارچه‌های کتانی، و بیشتر روی پارچه‌های آبی رنگ انجام می دهند. و وقتی دختران به سن ده سالگی برسند، مادران، اینگونه دامنها را برایشان آماده می کنند. معمولاً دخترانی که به سن هشت یا نه سالگی می رسند. از نقاب یا تورهای روی صورت استفاده می کنند. خانمها این نقابها را حتی موقع خوشامدگویی به میهمانان از صورت بر نمی دارند. اینان این نقاب را به انگیزه یک سنت مذهبی به صورت



می‌زنند و معتقدند هنگامی که حضرت مسیح [ع] از مادر متولد شد، مریم [س] یک نقاب توری روی صورتش کشید.

وقتی کدخدا متوجه شد هوای اتاق بسیار گرم شده است، از من دعوت کرد که به اتاق پایین که بزرگتر بود، نقل مکان کنم. آنان یک میهمانی پر زحمتی ترتیب دادند. یک سینی بزرگ پر از گز، وسط مجلس قرار دادند و میهمانان که در حدود پنجاه نفر بودند، به ترتیب، زنها در یک طرف و مردان در طرف دیگر سفره قرار گرفتند. همسر کدخدا و برادرش از میهمانان پذیرایی می‌کردند... کشیش روستا با ریش بلند و لباده سیاه و آستینهای فراخ وارد مجلس شد. همه به احترام او از جای برخاستند. حال و هوای میهمانی، بسیار جالب و تماشایی بود. در حدود یکصد زن و کودک با لباسهای روشن و قرمز پر پشت بامها، صحنه این ضیافت را تماشا می‌کردند.<sup>۱</sup>

## پوشاک زنان ارمنه جلفای اصفهان

### در اوایل زمان رضاشاه

فرد ریچاردز که در اوایل حکومت رضاشاه از جلفای اصفهان دیدن کرده، در این باره می‌نویسد:

«[در پی دستور رضاشاه مبنی بر تغییر لباس ایرانیان و ترک البسه محلی] زنان جوان جلفائی نیز مانند خواهران مغرب زمینی خود به تدریج بنده و برده لباس پوشیدن به طرز متداول در پاریس می‌شوند. با اینکه آنها در دهکده‌ای زندگی می‌کنند که برای رسیدن به آن باید از معابر مرتفع و فلاتهای عریضی عبور کرد،

۱- از بیستون تا زردکوه بختیاری، ص ۱۱۹-۱۱۶.



پوشاک زنان ارمنی سلماس  
در زمان ناصرالدین شاه قاجار  
عکس از کتاب سفرنامه هانری بایندر